



تحلیل هفته

کارگران آگاه به دشمنان طبقاتی شان رای نمی دهند!



صادق کار

خاطر از بین بردن فقر و بیکاری و دادن یارانه و از روی دل سوزی برای کارگران کاندیدا شده‌اند. هم از این رو در دادن وعده های دروغ گوی سبقت را از هم ربودند.

از زمان دولت رفسنجانی تا کنون، هر دولتی که روی کار آمده، اعم از محافظه کار، اصلاح طلب و اعتدال گرا همگی تلاش کرده‌اند بخشی از حق و حقوق کارگران را سلب کنند

گوشه‌ای از جنایات را افشا می کردند، اما این بار مردم همان چیزهایی را که نیروهای اپوزیسیون می گفتند از زبان کاندیداها دو جناح اصلی قدرت شنیدند. حاد شدن دشواری های معیشتی، بیکاری، رکود و مسائل اقتصادی و حساسیت مردم نسبت به آن ها موجب شد تا همان هایی که خود آفریدگار این اوضاع هستند دوباره برای به دست آوردن آرای کارگران و مزدبگیران و فقرا خود به جلد منتقدان وضع موجود بروند و با فریب کاری چنین وانمود کنند که گویا به

در هفته های اخیر در جریان تبلیغات و مناظره های که بین کاندیداها ریاست جمهوری انجام شد، کاندیداها به هنگام افشاگری علیه یک دیگر بخش هایی از جنایات، فساد و غارت گرایی ها همه دیگر را افشا کردند و مردم از زبان اشخاصی که طی ده ها سال جزء مسئولان و تصمیم سازان اصلی بوده‌اند با بخشی از آن چه در پس پرده قدرت گذشته و کشور و مردم را به افلاس و فلاکت دچار کرده بیشتر آشنا شدند. اگر در گذشته نیروهای اپوزیسیون



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

نتوانستند از این به بعد هم نمی
توانند؟

هستند. روحانی اینک در حالی در
میتینگ های انتخاباتی اش فریب
کارانه وعده آزادی می دهد و
سربسته از گذشته رئیسی انتقاد
می کند که وزیر دادگستری هم
دست رئیسی در جنایت سال ۶۷
بوده است و به وعده هایی که چهار
سال پیش داده بود هنوز عمل
نکرده است. او به درستی از اعمال
سرکوب گرانه و فساد قالی باف
انتقاد می کند، ولی در عین حال
سخنرانی حمایتی خودش از
سرکوب دانشجویان را لاپوشانی
می کند. اذعان می کند که پرونده
قالیباف در دست خودش بوده، ولی
اقدامی علیه او نکرده است!

**در جریان قتل عام
زندانیان سیاسی در سال
۶۷ صدها کادر و رهبر
برجسته سازمان های
کارگری را به جرم حمایت
شان از حقوق
زحمتکشان به همراه
هزاران تن از مبارزان
آزادی خواه اعدام کردند،
فساد و فلاکت امروزی
نتیجه همین سرکوب ها و
کشتار هاست. حال این
رئیسی جانی با چنین
سابقه ای خود را سخن
گوی کارگران و فقرا می
خواند**

در چهار سال گذشته دولت روحانی
نهایت تلاشش را برای از بین بردن
قوانین حمایتی و باز گذاشتن دست
کارفرماها در زورگویی و تشدید
استثمار کارگران به کار گرفته
است. او به دروغ در مناظره سوم
می گوید دستمزد ها را به ۱،۱
میلیون رسانده این در حالی است

آنهایی که با فریب کاری و دادن
وعده های شیرین سعی می کنند
با به دست آوردن رای کارگران و
فقرا رئیس جمهور شوند، همگی
شان بدون استثنا در ایجاد فقر و
بیکاری و ده ها معضل دیگر، در از
میان برداشتن حق و حقوق کارگران
و سایر زحمت کشان جامعه، در
فساد و غارت اموال عمومی، و در
سرکوب سازمان های کارگری طی
۲۸ سال گذشته سهیم اند. این ها
چیزی نیست که کارگران و مردم
ندانند. هیچ کدام از این کاندیدا ها
هرگز، سابقه ندارند که در گذشته
اعتراضی ولو کوچک به پایمال
سازی حق و حقوق کارگر کرده
باشند. از زمان دولت رفسنجانی تا
کنون، هر دولتی که روی کار آمده،
اعم از محافظه کار، اصلاح طلب و
اعتدال گرا همگی تلاش کرده اند
بخشی از حق و حقوق کارگران را
سلب کنند. رئیسی کاندیدای
جنایت کار که ظاهرا بیش از
کاندیداهای دیگر مورد عنایت
خامنه ای قرار دارد، ده ها سال
است که در دستگاه قضایی رژیم،
دست اندر کار کشتار و سرکوب
مخالفین بوده. در جریان قتل عام
زندانیان سیاسی در سال ۶۷
صدها کادر و رهبر برجسته سازمان
های کارگری را به جرم حمایت
شان از حقوق زحمتکشان به
همراه هزاران تن از مبارزان آزادی
خواه اعدام کرده. فساد و فلاکت
امروزی نتیجه همین سرکوب ها و
کشتار هاست. حال این جانی با
چنین سابقه ای خود را سخن گوی
کارگران و فقرا می خواند. سایر
کاندیداهای نیز که در گذشته پست
های کلیدی امنیتی و دولتی
داشته و دارند در مقام بالادستی در
جنایت رئیسی شریک

در حین مناظره آخر که از تلویزیون
رژیم پخش شد، رئیسی حتی خود
را نماینده کارگران خواند و مدعی
شد که گویا او به دلیل نگرانی از
فقر و فلاکت کارگران کاندیدا شده
است، تا بتواند کارگران و فقرا را از
فقر نجات دهد! قلیباف نیز با
انگشت گذاشتن بر بیکاری و فقر
ادعا کرد که برای مقابله با ۵
درصدی ها که کنترل ثروت و قدرت
را به انحصار خود درآورده و مسبب
فقر و فساد و بی عدالتی هستند و
گرفت حق ۹۶ درصدی ها پا به
میدان رقابت گذاشته است!

روحانی وجهانگیری نیز مرتب با
دادن آمارهای کاذب سعی می
کردند ثابت کنند که در چهار سال
گذشته گویا سطح زندگی کارگران
و کارمندان و بازنشستگان را با
افزایش دستمزد و حقوق شان
بهبود داده اند و کلی اشتغال ایجاد
کرده اند و قصد دارند در چهارسال
آینده نیز سطح زندگی مردم را بالا
ببرند.

با وجود اذعان همه کاندیداهای به
فقر، فساد و بیکاری رکود، و
ناکارایی، اما هیچ کدام حاضر نبودند
مسئولیت وضع بد موجود را بپذیرند
و در حالی که همه آن ها طی ده
ها سال گذشته مسئولیت های
مهم و کلیدی داشته اند در تلاش
بودند که مسئولیت ویرانی کشور،
فقر و فلاکت مردم را به گردن
دیگری بیندازند.

اما کیست که نداند همه این ها و
جناح هایی که آن ها نمایندگی اش
می کنند، به یک اندازه در کشاندن
اوضاع کنونی نقش داشته و دارند؟
و کیست که نداند اگر این ها می
توانستند، کاری برای مردم بکنند،
در ۲۸ سال گذشته می کردند و اگر



کارگران هستند که می توانند با تداوم اعتراضات و مبارزات شان همان طور که توانستند دولت را وادار به پس گفتن لایحه ضد کارگری و ارتجاعی تغییر قانون کار کنند، بقیه حق و حقوق شان را از سرمایه داران بگیرند. رای دادن به هر یک از کاندیداها در واقع رای دان به بقای حکومتی است که تا کنون ثمری جزء فقر و سرکوب برای زحمت کشان در بر نداشته است. رای دادن به روحانی یعنی رای دادن به لایحه ضد کارگری، به قراردادهای موقت، به دستمزدهای زیر خط فقر، به سرکوب سندیکاها، کارگری، به بیکاری و فقر به خصوصی سازی مدارس... و رای دادن به قالیباف و رئیسی یعنی رای دادن به فساد و سرکوب، سانسور، به غارتگران و قاتلان، به ماجرا جویان و خشونت طلبان. رای ندهید تا هم از رای شما علیه خودتان استفاده نکنند و هم مجبور شوند در ازای رای تان حق و حقوق تان را به رسمیت بشناسند.

دوران احمدی نژاد شده و افزایش درآمدهای نفتی به جیب ثروتمندان. روحانی و جهانگیری هر دو به رئیسی و قالیباف بخاطر وعده هایی که می دادند تاختند ولی هیچ کدامشان کلامی در مورد بی قانونی حاکم بر محل های کار و بهبود شرایط شغلی و معیشتی کارگران به زبان نیاوردند. این سکوت معنی دیگری جزء آن که در چهارسال آینده همین روال توسط دولت ادامه خواهد یافت ندارد. تلاشهای فریب کارانه بسیاری در این ایام برای رای گرفتن از کارگران و فقرا توسط کاندیداها و هواداران شان صورت می گیرد. کارگران نباید فریب این وعده های دروغ را بخورند. هیچ کدام از جناح های حکومتی به راستی قصد اجرای وعده هایی را که می دهند ندارند. این خود

که دستمزد کنونی ۹۳۰ هزار تومان تعیین شده و این مبلغ یک چهارم خط فقر است. طی چهار سال گذشته تعداد کارگرانی که با قرارداد موقت کار می کنند ۳۰ درصد افزایش یافته، تعویق در پرداخت دستمزدها دو برابر شده، صدها هزار کارگر از شمول تامین اجتماعی خارج شده اند، حق بیمه پزشکی دو برابر شده، آمار بیکاری حداقل ۲ درصد بالا رفته و شمار تلفات حوادث شغلی همچنان در حال صعود است. ادعا می کند با کاهش تورم سرعت گرانی را مانع شده، اما طبق آمار های رسمی طی چهار سال گذشته هزینه غذای خانواده از ۳۲ درصد کل درآمد به ۴۰ درصد رسیده، می گوید فروش نفت را دو برابر کرده ولی تقسیم درآمد سرانه ناآلانه تر از





نقش فدراسیون اتحادیه های کارگری در گفتمان اجتماعی - ۱۰

مقایسه اتحادیه اروپا و جامعه توسعه جنوب آفریقا

مریم نواز - نوامبر ۲۰۰۲

ترجمه: گودرز

۳/ شورای همپاری اتحادیه های صنفی جنوب آفریقا (SATUCC)
۱/۲/ توسعه تاریخی شورای SATUCC
۲/۱/۲/ ساختار سازمانی

- همسان سازی اقتصاد ملی، سیاست های اجتماعی و قضایی در حمایت از بازار کار
- قانونمندی تحرک و پویایی نیروی کار
- افزایش بهره وری در منطقه SADC
- معرفی و همسان سازی سیستم امنیت اجتماعی
- هماهنگی و همسانی قوانین مربوط به امنیت شغلی و بهداشت محیط حرفه ای
- توسعه و هماهنگی در آموزش فنی کارگران و تربیت حرفه ای
- توصیه به توسعه گفتمان اجتماعی در سطوح ملی و منطقه ای.

در هنگام تأسیس، ELS تنها بخش از SADC بود که در سازماندهی گفتمان اجتماعی بین کارفرمایان، کارگران و دولت فعال بود. این سه طرف همچنین در کمیته های ELS برای بهداشت و امنیت حرفه ای، و کار و تولید نماینده دارند و در کنفرانس های سالانه ELS بعنوان ناظر شرکت می کنند. مذاکرات سه جانبه در بین نمایندگان دولت های عضو SADC هم برگزار می شود که شامل یک نماینده کارگران یک نماینده کارفرمایان و یک نماینده دولتی است و هرکدام دارای یک رای است. زیرکمیته ها هم دارای هفت عضو کارگری، هفت عضو کارفرما و چهارده عضو نماینده دولت ها هستند.

هر یک از سه جانب مذاکره می تواند پیشنهاددهنده و آغازگر یک موضع حقوقی باشد. پس از آن که یک گزاره به ELS پیشنهاد می شود، موضوع به شرکای اجتماعی ملی در SADC برای مشاوره ارائه می شود. سپس

بدنبال تبدیل شورای همکاری توسعه جنوب آفریقا (SADCC) به جامعه توسعه جنوب آفریقا (SADC) در سال ۱۹۹۲، کمیسیون کار جنوب آفریقا (SALC) هم تشکیل شد. همان طور که از نام کمیسیون برمی آید، SALC هدفش را بر امور کارگری از قبیل تصویب و تایید آیین نامه های سازمان جهانی کار ILO و اجرای استاندارد های مربوطه در کشورهای عضو متمرکز نموده است. شورای کنفدراسیون اتحادیه های کارگری جنوب آفریقا SATUCC در کمیسیون کار یک نماینده ناظر دارد. در سال ۱۹۹۵ بخش کارگری و استخدامی ELS در کمیسیون کار بوجود آمد که وظایف و چارچوب فعالیت و قدرت اجرایی اش در پروتکل مربوطه تبیین شده بود.

اهداف گسترده تر سکتور کاریابی و کار ELS بقرار ذیل اند:



ژوئن ۲۰۱۶: تجمع اعضای فدراسیون اتحادیه های کارگری آنگولا، در اعتراض به آثار بحران اقتصادی در این کشور بر زندگی زحمتکشان



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

است. اما مواردی هم هستند که مداخله کارگران در سطوح ملی مشکل آفرین خواهد شد و باعث پیچیدگی روند گفتگوهای منطقه ای می شود.

باید توجه داشت که هماهنگی سه جانبه در کشورهای عضو SADC همسان نیست. بطور مثال در زیمبابوه و سوازیلند کارگران و کارفرمایان مشترکاً در مقابل دولت می ایستند. در کشورهای دیگر اتحادیهایی بین کارگران و دولت از یکسو و کارفرما و دولت در موارد دیگر دیده شده اند. این ناهمگونی های ساختاری باعث شده که در سطح فراملیتی SATUCC و در ELS بعضاً مشکلاتی برای همکاری سه جانبه در روند گفتمان اجتماعی بروز نمایند. مشکل دیگر هم این حقیقت است که بعضی هیئت های نمایندگی کشوری در ELS هر سه جناح را نمایندگی نمی کنند و بعضاً فقط نماینده دولت اند. برخی کشورها هم اساساً قادر به تأمین حق عضویت خودشان در گفتمان اجتماعی و EHS نیستند. گزارش آقای کاپینا همچنین حاکی است که مشارکت کارگران در ELS در سالهای اخیر افزایش قابل توجهی داشته است.

مذاکره در کنفرانس ELS صورت می گیرد که ممکن است براساس رای اکثریت به مصوبه تبدیل شود، اما در بیشتر مواقع هدف اول رسیدن به اتفاق جمعی است. توافق بدست آمده آن گاه به شورای وزیران فرستاده می شود که از نمایندگان دولت تشکیل می شود. شورا پیشنهاد را تصویب نموده و آن را برای تصویب در مجمع رهبران آماده می سازد.

شورای همیاری اتحادیه های صنفی جنوب آفریقا در این روند نقش هماهنگ کننده را بازی می کند، به این مفهوم که کنفرانس و جلسات آموزشی منتهی به آن را فرامی خواند و مذاکرات را بین نمایندگان هیئت های کشورها ترتیب داده و این کنش ها را تا رسیدن به توافق در ELS اداره می کند. چنان که موسی کاپینا دبیر کل SATUCC اظهار می دارد، رسیدن به مواضع مشترک در بیشتر مواقع در جریان گفتمان اجتماعی امری محتمل

همکاری به ما قدرت می بخشد تا آینده را بسازیم

دیگر کشورها

۱۱ شرط سندیکاهای اسپانیا به دولت

کارگر بشدت اعتراض شده است. به اعتقاد این سندیکاها بودجه ارائه شده توسط دولت به مجلس فقط جوابگوی منافع سرمایه داران بزرگی است که دولت فعلی آنها را نمایندگی میکند.



عمده ترین شکل های سندیکائی اسپانیا " کمیسیون های کارگری " و " اتحادیه همگانی کارگران " در هفته گذشته در مجلس نمایندگان حضور یافتند و طرحی را با نام " ارزیابی ما از بودجه دولت برای سال ۲۰۱۷ و پیشنهادات ما " به مجلس ارائه دادند که در آن بخاطر بی توجهی به بهبود وضعیت معیشتی حقوق بگیران و طبقه



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

دهد، دروغ می گوید. او اضافه می کند سمت عمومی بودجه باید در خدمت شهروندان، طبقه کارگر و بطور عام حقوق بگیران متوسط و جزء باشد. خلاصه پیشنهادات سندیکاها برای اصلاح بودجه سال ۲۰۱۷ اسپانیا بشرح زیر است:

- ۱- معلق کردن قانون کار مصوب سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲
- ۲- ارائه یک برنامه ضربتی برای ایجاد اشتغال.
- ۳ - ازدیاد دستمزد همه حقوق بگیران به میزانی که بیشتر از نرخ تورم باشد.
- ۴ - بالا بردن حداقل حقوق تا میزان ۱۰۰۰ یورو تا قبل از پایان این دوره قانون گذاری.
- ۵ - حذف اصلاحیه قانون بازنشستگی مصوبه سال ۲۰۱۲ بنحوی که بازنشستگان حداقل اضافه حقوق شان مساوی با نرخ تورم است.
- ۶ - اصلاح قانون مربوط به بیمه های بیکاری به نحوی است که تعداد هرچه بیشتری از بیکاران را شامل شود.
- ۷ - پایه گذاری خدمات اجتماعی دولتی بنحوی که ستون چهارم یک جامعه رفاه است، در این ساختار قانونی باید حمایت اجتماعی و اقتصادی دولتی از همه شهروندان تضمین شود.
- ۸ - اعاده خدمات درمانی دولتی برای همه احاد جامعه.
- ۹ - تصویب لایحه ای که بر اساس آن فاصله حقوق ها کم شده تا نتیجتا فاصله طبقاتی کاهش یابد.
- ۱۰ - متوقف کردن تخلیه خانه هایی که صاحبان شان از پرداخت وام ماهیانه شان در ارتباط با تنها مسکن شان ناتوان مانده اند. و هم چنین پایان دادن به قطع برق و سوخت برای خانواده هایی که حقوقهایشان جوابگوی نیازهای اولیه شان نیست.
- ۱۱- تغییر سیستم اخذ مالیات برای جمع آوری مبلغ بیشتر و در همان حال عادلانه تر.

رامون گورریز مسئول امور اجرایی " کمیسیونهای کارگری " در این ارتباط می گوید: این بودجه هیچ گونه کمکی برای برون رفت از بحران اقتصادی که سالیان متمادی است، اسپانیا با آن درگیر است ارائه نمی کند، به همین خاطر ما طرحی را آماده کرده ایم که هم بیان انتقادات ما به این بودجه است و هم پیشنهادات ما برای اصلاح آن. **رامون گورریز** اضافه می کند "در این بودجه هیچ گونه پیش بینی برای ازدیاد بودجه های عمرانی در نظر گرفته نشده است" و حتی بد تر از آن بیمه های بیکاری را کم کرده اند و از بودجه خدمات اجتماعی به مقدار زیادی کاسته اند. در ادامه اضافه می کند: تورم در واقع یک مالیات پنهانی است که از حقوق بگیران بزور می گیرند. بازنشستگان و آن هائی که از حقوق بیکاری استفاده می کنند، به خاطر آن که افزایش حقوق شان کمتر از افزایش نرخ تورم است، قدرت خریدشان را از دست می دهند. مشخص است وقتی دولت می گوید مالیات ها را افزایش نمی

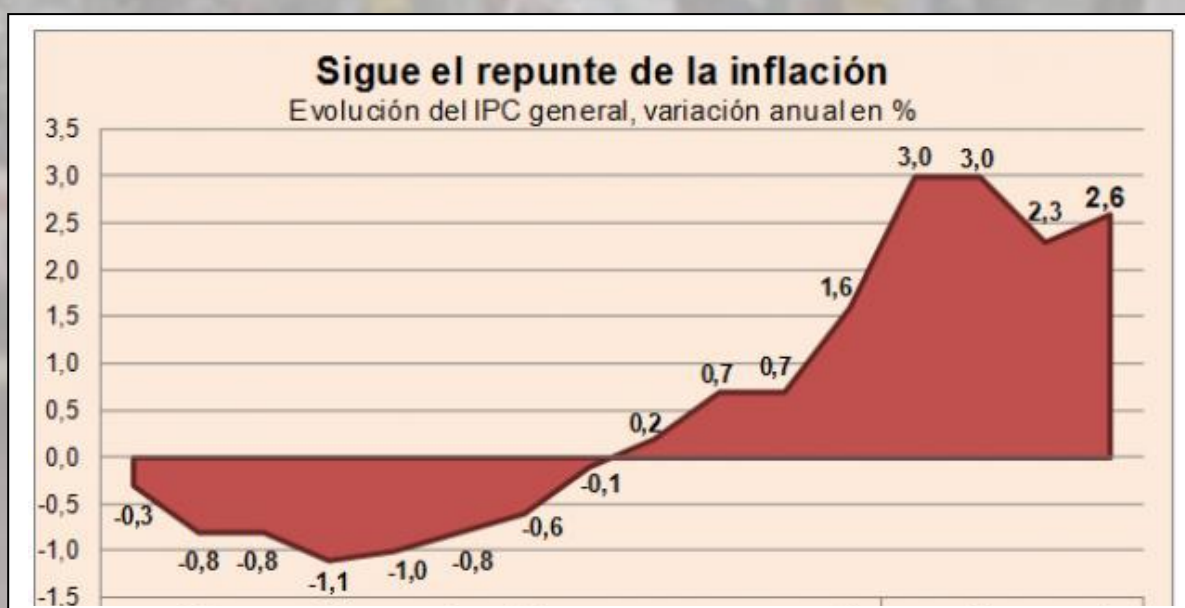


بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

نیروهای راست را از داشتن اکثریت مطلق محروم کرده است، احتمال تصویب حداقل برخی از اصلاحیه های فوق بسیار بالاست.

با توجه به ترکیب جدید نمایندگان در مجلس که



از جهان کار

دارد. حتی یکی از ساکنان این شهر می تواند با دقت تاریخ آن را ذکر کند: ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۷.

کوره های ذوب آهن یونگستاون در بیشترین سالهای قبل از جنگ جهانی دوم چنان سعادت را نصیب شهر کرده بودند که این شهر به مدلی از "رؤیای امریکائی" تبدیل شده بود. اهالی شهر به این واقعیت که درآمد متوسط و نرخ "صاحب خانگی" شان در امریکا بالاتر از همه بود، به خود می بالیدند. اما با خاتمه جنگ و انتقال صنایع به خارج، شکوفائی صنایع فولاد یونگستاون نیز دستخوش تزلزل شد و در آن روز گرفته سپتامبر ۱۹۷۷، کارخانه ورق و لوله فولاد یونگستاون تعطیل ذوب آهن کمپبل را اعلام کرد. در عرض ۵ سال ۵۰ هزار کارگر شغل، معادل

جهان بدون کار - ۱

دیرک تامپسون

آتلانتیک، اوت ۲۰۱۵

قرنهاست که اندیشه ورزان پیش بینی می کنند که ماشین کار کارگر را منسوخ خواهد کرد. به نظر می رسد لحظه وقوع این پیش بینی نزدیک شده باشد. آیا چنین جهانی دلیزیر است؟

۱. یونگستاون، امریکا

جهان بدون کار هنوز برای بخش اعظم ایالات متحده یک مفهوم آینده نگرانه و خیالپردازانه است، اما برای شهر یونگستاون در ایالت اوهایو به گذشته تعلق



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

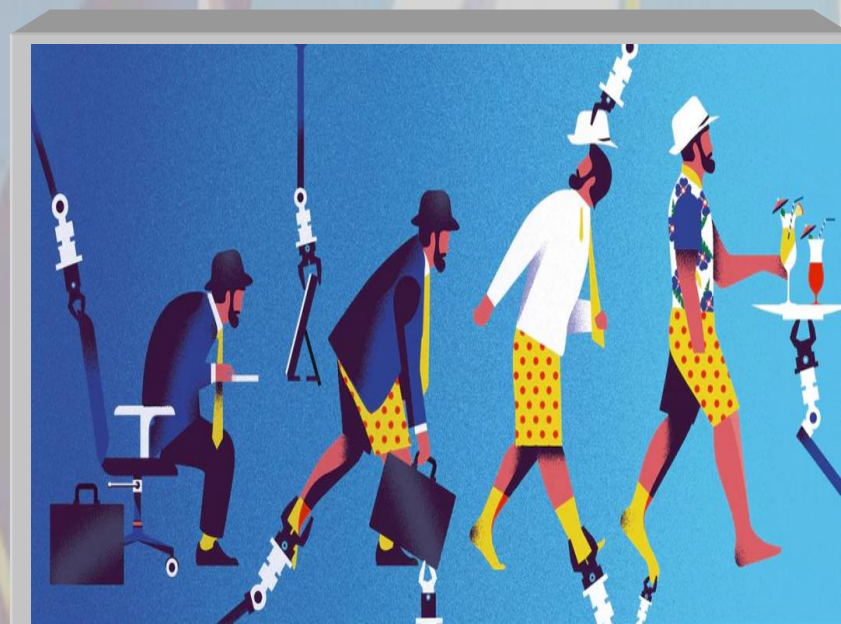
۱/۳ میلیارد دلار درآمد سالانه شان را از دست دادند. پیامد وضع چنان حاد بود که برای توصیف آن یک اصطلاح ابداع شد: افسردگی منطقه ای.

یونگستاون نه فقط به لحاظ اقتصادی، بلکه همچنین به لحاظ روانشناختی و فرهنگی، درهم شکسته بود. افسردگی، خشونت خانگی و خودکشی بسیار شایع شده بودند. در عرض ده سال شمار مراجعات به مرکز سلامت روانی سه برابر شد. در اواسط دهه ۹۰ قرن گذشته مقامات شهر ۷ زندان ساختند: یک "رشد اشتغال" نادر! یکی از معدود پروژه های ساختمانی در آن دوره بنای موزه ای بود که به صنعت منقرض شده فولاد اختصاص داشت.

اند. آنها می بیند که ظرفیت ماشینها - که هم اکنون هم مهیب است - به طریق نمائی رشد می کند، در حالی که ظرفیت انسانی همان باقی می ماند. آنها از خود می پرسند: "آیا شغلی هست که از این تحولات واقعاً در امان باشد؟"

آینده نگران و نویسندگان علمی-تخیلی گاه با نوعی اشتیاق خیره کننده به آینده و به تسخیر محلهای کار توسط ماشینها پرداخته اند: آینده ای که "خرمالی" از دوش انسانها برداشته شده و جای آن را آزادی بی حد و حصر گرفته است. اشتباه نکنید: اگر، چنان که تا کنون پیش رفته است، ادامه روند افزایش ظرفیت کامپیوترها همراه با کاهش قیمت آنها به این معنا خواهد بود که بسیاری از حوائج و حتی تجملات زندگی ارزان و ارزانتر خواهند شد. این ثروت بسیار بزرگی خواهد بود، دستکم اگر تا سطح اقتصاد ملی گسترش یابد.

صرف نظر از این سؤال که چنین ثروتی چگونه باید توزیع شود، نابودی گسترده کار طلیعه یک انتقال اجتماعی بی شباهت به همه مواردی است که تا کنون دیده ایم. اگر جان روسو درست گفته باشد، در آن صورت نجات کار، به عنوان یک رابطه کلی، به مراتب مهمتر از نجات این یا آن شغل مشخص است... پس سؤال مهم این است: اگر کار ناپدید شود، چه اتفاقی خواهد افتاد.



زمستان
امسال من
سفری به
اوهایو داشتم
تا بینم اگر
تکنولوژی به
طور دائمی
جای بخش
اعظم کار
انسانی را

بگیرد، چه خواهد شد. من در گشت و گذار برای دیدن آینده اتوماتیزاسیون شده بشریت نبودم، بلکه رفته بودم تا یونگستون را که اکنون به استعاره ای از "نبود کار" تبدیل شده است، ببینم؛ جایی که طبقه متوسط قرن بیستمی به موزه سپرده شده است.

جان روسو، پروفیسور مناسبات کار در دانشگاه ایالتی یونگستاون، می گوید: "داستان یونگستاون داستان امریکاست، زیرا نشان می دهد که وقتی مشاغل از میان بروند، تجانس فرهنگی نیز ویران خواهد شد. انحطاط فرهنگی به مراتب بیشتر از درهم شکستن اقتصادی اهمیت دارد."

در چند سال گذشته ایالات متحده نصفه نیم بها بر "خلاء شغلی" ناشی از بحران بزرگ ۲۰۰۸ غلبه کرده است. اما برخی از اقتصاددانان و متخصصان فن هشدار داده اند که اقتصاد امریکا نزدیک به نقطه سرازیری است. آنها می گویند که بررسی عمیق در داده های بازار کار نشانه های نگران کننده ای را نشان می دهد که ماسک "رونق ادواری" را بر چهره دارند. وقتی آنها به لیست مشاغل نگاه می کنند، متوجه درجه بالائی از اتوماسیون و حضور روباتها در اتاقهای فرمان و پشت بساط "فست فود"ها می شوند. آنها نزد خود ماشینهای خودران اوبر (Auber) را در خیابانها و پهپادهای آمازون را در آسمان متصور می شوند که جای میلیونها راننده، انباردار و فروشنده را گرفته



سرکوب فعالان سندیکایی و حقوق کارگران در ایران



دیگر نمونه‌ی آشکاری از تداوم سرکوب و آزار فعالان سندیکایی در ایران بود. این سرکوب بخشی از محرومیت روشمند کارگران از اساسی‌ترین حقوق خود در ایران است که قربانی قانون‌های تبعیض‌آمیز با انگیزه‌های سیاسی و نظام قضایی مصمم به سرکوب جنبش‌های مستقل کارگری و مخالفان دیگر هستند.

با وجود افزایش قابل توجه در روابط تجاری و اقتصادی کشورهای غربی با ایران، در پی اجرای توافق هسته‌ای با ایران در سال ۱۳۹۴ و

اعضای گروه تحقیق سازمان ملل درباره‌ی حبس‌های خودسرانه

گزارش گر ویژه‌ی سازمان ملل درباره‌ی وضعیت حقوق بشر در ایران، خانم اسما (عاصمه) جهانگیر

در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، ممنوعیت گردهمایی‌های مستقل و صلح‌آمیز طی روز کارگر در ایران امسال - همچون سال پیش [۲] - یک بار

به نقل از: سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

پاریس - ژنو، ۱۱ مه ۲۰۱۷ (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۶)

به: گزارش گر ویژه‌ی سازمان ملل درباره‌ی آزادی گردهمایی و تشکل، خانم آنالیزا کیامپی

گزارش گر ویژه‌ی سازمان ملل درباره‌ی وضعیت مدافعان حقوق بشر، آقای میشل فورست

گزارش گر ویژه‌ی سازمان ملل درباره‌ی ترویج و محافظت از آزادی عقیده و بیان، آقای دیوید کی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

سال‌های پیش، آزار فعالان و اتحادیه‌های مستقل کارگری برای جلوگیری از برگزاری جشن و راه‌پیمایی مستقل از گردهمایی‌ها و مراسم مورد حمایت حکومت شدت یافت.

در پایتخت، تهران، کارگران در مراسمی در جلوی ساختمان مجلس حضور یافتند که اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران ترتیب داده بود. مأموران پلیس سعی کردند بنرها و پلاکاردها را که کارگران در آنها خواهان آزادی فعالان سندیکایی زندان اسماعیل عبدی و بهنام ابراهیم‌زاده شده بودند، جمع کنند و سپس راه‌پیمایان را محاصره و تلفن‌های همراه آنها را ضبط کردند. پس از آن، مأموران واله زمانی، عضو بنیانگذار سندیکای کارگران نقاش استان البرز را دستگیر کردند. او یک روز بعد آزاد شد.

طی مراسم رسمی در تهران که رئیس جمهوری روحانی در آن سخن گفت و در عین حال به نوعی گردهمایی در حمایت از نامزدی او در انتخابات ریاست جمهوری در ۱۹ اردیبهشت شباهت داشت، چند تن از کارگران شعارهایی را در اعتراض به وضعیت زندگی خود سر دادند. بعضی از رسانه‌های حامی روحانی معترضان را «اخلال‌گر» نامیدند. رسانه‌های محافظه‌کار افراطی کوشیدند از فرصت به نفع نامزدهای رقیب بهره‌برداری و وانمود کنند که اعتراض‌ها فقط علیه دولت روحانی است و در مخالفت با سیاست‌های رژیم نیست.

همچنین در تهران، سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه («سندیکای شرکت واحد») در روز ۱۱ اردیبهشت جشنی را در پایانه‌ی اتوبوسرانی آزادی برگزار کردند، ولی نیروهای امنیتی شرکت کنندگان را محاصره و با

دستمزد برابر برای کار یکسان با مردان محروم هستند. امکان بازگشت آنها به کار پس از مرخصی زایمان بسیار کم است و در شرایط بحرانی پیش از همه اخراج می‌شوند. زنان، اقلیت‌های دینی و قومی و مخالفان سیاسی از اشتغال به بعضی از مشاغل محروم هستند.

سازمان‌های ما در زیر نمونه‌هایی از فعالان کارگری را ارائه می‌کنند که در حال حاضر به‌خاطر استفاده‌ی صلح‌آمیز از حقوق خود برای گردهمایی، تشکل و بیان آزاد، در حبس خودسرانه به‌سر می‌برند و در معرض آزار قضایی هستند.

بر این اساس، ما از کارشناسان ویژه‌ی سازمان ملل نامبرده در بالا می‌خواهیم آشکار به وضعیت نگران کننده‌ی فعالان سندیکایی و حقوق کارگری در ایران توجه نشان دهند.

سرکوب آزادی گردهمایی، تشکل و بیان صلح‌آمیز در آستانه‌ی روز کارگر سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶)

در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶، دولت‌مردان ایران یک بار دیگر فقط اجازه‌ی برگزاری مراسم مورد حمایت حکومت را در تهران - پایتخت - و چند شهر دیگر دادند، از جمله به سازمان طرفدار رژیم «خانه‌ی کارگر» [۴] که در رشت و نقاط دیگر مراسم برگزار کرد. فعالان مستقل سندیکایی یک بار دیگر از برگزاری مراسم روز کارگر منع شدند.

بعضی از اتحادیه‌ها و فعالان سندیکایی مستقل که در روز کارگر یا در هفته‌های پیش از آن از آزادی گردهمایی و بیان محروم شدند از این قرار هستند:

در هفته‌ی پیش از ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ و در این روز، همچون

رفع بعضی از تحریم‌ها پس از آن، توجه کمی به این واقعیت شده که قوانین و عملکرد کنونی در ایران ناقض موازین بین‌المللی کارگری و حقوق اقتصادی و اجتماعی هستند.

سندیکاهای مستقل کارگری در قوانین ایران ممنوع شده‌اند و دولت کنترل شدیدی را بر کلیه‌ی نهادهای قانونی که به‌اصطلاح نماینده‌ی کارگران هستند اعمال می‌کند. حق اعتصاب هرگز به صراحت پذیرفته نشده و در عمل اعتصاب‌ها با خشونت سرکوب می‌شوند. تمام تلاش‌ها در سال‌های اخیر برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری به شدت سرکوب و فعالان کارگری از کار اخراج شده‌اند، مورد آزار و تعقیب قرار گرفته‌اند و به اتهام‌هایی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» زندانی شده‌اند.

حکومت ایران در کلیت آن از افزایش حداقل دستمزد به میزان کافی «برای زندگی آبرومند کارگران و خانواده‌هایشان» به الزام ماده‌ی ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سر باز زده است [۳].

میزان دستمزد حداقل که برای سال شمسی جاری از آغاز فروردین ۱۳۹۶ تعیین شده بین یک‌سوم تا یک‌چهارم میزان خط فقر برآورد می‌شود. چند میلیون کارگر حتا این حداقل دستمزد را دریافت نمی‌کنند، زیرا در واحدهای کوچک با کمتر از ۱۰ کارگر کار می‌کنند که مشمول مقررات قانون کار - یعنی حداقل دستمزد، افزایش مزد و بیمه - نیستند.

کارگران زن به‌شدت مورد تبعیض قرار می‌گیرند. آنها اغلب در واحدهای کوچک کار می‌کنند و از



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

دولت‌مردان در تلاش برای مهار اعتراض‌ها، به احضار مکرر و تهدید فعالان سندیکایی دستگیری بسیاری دیگر ادامه داده‌اند. بیشتر دستگیرشدگان پس از یکی دو ماه با وثیقه آزاد شده‌اند و به احتمال در ماه‌های آتی محاکمه خواهند شد. فعالان سندیکایی در این موارد اغلب به اتهام‌هایی مثل «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اهاانت به رهبر» و دیگر اتهام‌های مبهم متهم می‌شوند.

در تاریخ ۱۰ مه ۲۰۱۷ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶)، دست‌کم ۸ فعال سندیکایی در پی محاکمه‌های به شدت ناعادلانه و محکومیت به «جرائم» مربوط به دفاع از حقوق کارگری در زندان یا در تبعید به سر می‌بردند [۶]:

• آقای اسماعیل عبدی، دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران، دوباره در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۵ برای گذراندن حکم شش سال زندان خود دستگیر شد. مسوولان در اردیبهشت ۱۳۹۴ او را تهدید کرده بودند که حکم تعلیقی ۱۰ سال زندان را که در سال ۱۳۹۰ به اتهام‌های گردهمایی و تبانی علیه نظام و مشارکت در گردهمایی‌های غیرقانونی سندیکایی صادر شده بود به اجرا می‌گذارند، مگر این‌که از سمت خود در کانون صنفی معلمان استعفا بدهد و در اعتراض‌های پیش‌رو در سراسر کشور شرکت نکند. آقای عبدی استعفا داد ولی کانون صنفی معلمان استعفای او را نپذیرفت. او در خرداد ۱۳۹۴ به زندان رفت. سپس، در بهمن ۱۳۹۴، حکم تازه‌ی ۶ سال زندان به اتهام تبلیغ علیه نظام (۱ سال زندان) و گردهمایی به منظور ارتکاب جرم علیه امنیت ملی (۵ سال زندان) به او ابلاغ شد. وی به این حکم اعتراض کرد و در تاریخ ۲۴

فقط به مشکلاتی در باره‌ی پروانه‌ی این جمعیت به‌طور کلی اشاره شده است. مسوولان جمعیت گفته‌اند که تمام شرایط مربوط به پروانه را برآورده کرده‌اند. این جمعیت که در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد به شمار زیادی از کودکان - به‌ویژه کودکانی از خانواده‌ی مهاجران - که ناگزیر از کار در خیابان هستند رسیدگی می‌کند و هدف آن الغای کار کودک است. روز ۲ اردیبهشت نیز، پروانه‌ی انجمن دوستداران حقوق کودک در تبریز که دارای اهداف مشابهی است، تعلیق شد. دولت‌مردان تاکنون هیچ دلیلی برای تعطیل کردن این موسسه‌ها ارایه نکرده‌اند. رسانه‌ها در گزارش‌های خود دلیل این تعطیلی‌ها را فقط «برخی موانع» نقل کرده‌اند بدون این که از منبع این نقل نام ببرند.

ادامه‌ی ارباب و حبس خودسرانه‌ی فعالان کارگری

سرکوب مداوم فعالان کارگری، از اعتراض‌های کارگران در کارخانه‌ها و واحدهای مختلف جلوگیری نکرده و اعتراض‌ها در سراسر کشور رشد و گسترش یافته است. بیش از ۶۵۰ مورد اعتصاب، تظاهرات و اعتراض‌های دیگر در سال ۱۳۹۵ در مخالفت با اخراج‌ها، تعطیلی واحدها، خصوصی کردن، طرح اصلاح قانون کار و درخواست بازگشت به کار، درخواست دریافت به موقع دستمزد و نیز مزدهای عقب‌افتاده، افزایش دستمزد و اصلاح در قراردادهای و بهبود در شرایط کار رخ داده است. این تعداد «افزایش در حدود ۲۷ درصد در اعتراض‌های کارگری» در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با ۵۱۵ اعتراض در سال ۱۳۹۴ را نشان می‌دهد. [۵]

فیلم‌برداری از آنها به آزار آنها پرداختند.

در سنندج، مرکز استان کردستان، نیروی انتظامی دو بار در هفته‌ی پیش از ۱۱ اردیبهشت آقای شپث امانی، فعال کارگری و عضو هیأت مدیره‌ی اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران را احضار کرد و به او اطلاع داد که درخواست اتحادیه برای برگزاری مراسم جداگانه در این روز پذیرفته نخواهد شد. مأموران از او خواستند تعهد بدهد که اتحادیه مراسم جداگانه‌ای در روز جهانی کارگر برگزار نخواهد کرد و اعضای آن در مراسم رسمی با حمایت اداره‌ی کار شرکت خواهند کرد، ولی او این درخواست را رد کرد. همچنین، در روز ۷ اردیبهشت، آقای فارس گویلیان یکی از کارگران فعال شهر سنندج، احضار و به او تذکر داده شد که نباید در «مراسم غیر دولتی روز ۱۱ اردیبهشت» شرکت کند. آقای خالد حسینی عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در سنندج احضار و چند ساعت، از جمله در باره‌ی برنامه‌های این کمیته در روز کارگر، مورد بازجویی قرار گرفت. روز ۱۱ اردیبهشت نیز مأموران پلیس مشارکت کنندگان در راه‌پیمایی را که اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی خبازان سنندج و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ترتیب داده بودند، محاصره کردند و آزار دادند.

علاوه بر این، مسوولان پس از این که در آخر شب ۳۰ فروردین خطاری را به نظام‌تچی ساختمان «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان که کارمند رسمی جمعیت نیست ابلاغ کردند، صبح روز ۳۱ فروردین، مرکز این جمعیت را در تهران مهروموم کردند. در این اخطار



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

دادستانی در تاریخ ۴ آبان ۱۳۹۵ او را به زندان فرا خواند. او در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ در آستانه‌ی تظاهرات روز کارگر (۱۱ اردیبهشت) به وزارت اطلاعات احضار و مدت ۴۶ روز بازداشت و پس از آن آزاد شد، مورد محاکمه قرار گرفت و محکوم شد و در آبان ۱۳۹۴ برای گذراندن حکم شش سال به زندان رفت؛ پنج سال به اتهام «گردهمایی و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و یک سال به اتهام «اخلال در نظم عمومی». به علاوه، او به مدت دو سال از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی، انجام فعالیت مجازی و فعالیت در رسانه‌ها و مطبوعات محروم شد. وی از روز کارگر ۱۳۹۵ در اعتراض به وضعیت خود در زندان و در همبستگی با کارگران خواهان حقوق خود دست به اعتصاب غذایی زد که ۶۳ روز ادامه یافت. مسوولان او را در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۹۵ آزاد کردند و به او وعده‌ی محاکمه‌ی دوباره دادند. عظیم‌زاده به‌همراه شاپور احسانی‌راد، عضو دیگر هیأت مدیره‌ی اتحادیه کارگران آزاد ایران، در مهر ۱۳۹۵ در شهر ساوه در مرکز ایران مورد محاکمه قرار گرفت و هر دو به ۱۱ سال زندان محکوم شدند؛ ۱۰ سال به‌اتهام «تشکیل اتحادیه آزاد کارگران ایران و اداره نمودن آن» و ۱ سال به‌اتهام «فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام». دادگاه تجدیدنظر در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ به اعتراض آنها رسیدگی کرد و بناست در هفته‌های آتی نظر خود را اعلام کند. عظیم‌زاده و احسانی‌راد در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۹۵ در پرونده‌ای جداگانه در ساوه محاکمه شدند، اما دادگاه هنوز حکم خود را صادر نکرده است.

سعید شیرزاد، فعال کارگری و حقوق کودک، از تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۳ پس از بازداشت در شهر تبریز در شمال غربی ایران در حبس خودسرانه به سر می‌برد. او در سال ۱۳۹۴، به اتهام «گردهمایی و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» به ۵ سال زندان محکوم شد. با وجود این‌که او به حکم خود اعتراض کرده، مسوولان او را در زندان نگه داشته‌اند. دادگاه تجدیدنظر در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۹۶ به پرونده‌ی او رسیدگی کرد ولی هنوز حکم خود را صادر نکرده است.

• شهاب کریم آقایی، جعفر پژوهش‌پور و حسین اسماعیلی، سه فعال کارگری که در اعتصاب‌ها و اعتراض‌های صنایع مخابرات ایران شرکت داشتند، در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۹۵ در شیراز، استان فارس، دستگیر شدند. در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، هنوز اطلاعی باریه‌ی وضع این سه تن در دست نبود.

• داوود رفیعی، کارگری که در سال ۱۳۹۳ به‌خاطر «مشارکت در سازمان‌دهی اعتصاب‌ها» از شرکت پارس خودرو اخراج شد و دو کارگر دیگر در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۹۵ دستگیر شدند. دو کارگر دیگر آزاد شده‌اند، اما تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، هنوز اطلاعی باریه‌ی وضع آقای رفیعی در دست نبود.

دست‌کم ۴۲ فعال سندیکایی دیگر در انتظار محاکمه‌ی احتمالی، نتیجه‌ی محاکمه، یا نتیجه‌ی تجدیدنظر آزاد هستند:

جعفر عظیم‌زاده، دبیر هیأت مدیره‌ی اتحادیه کارگران آزاد ایران، در حال حاضر با قرار وثیقه آزاد است، گرچه

اردیبهشت ۱۳۹۵ آزاد شد. دیوان عالی کشور در بهمن ۱۳۹۵ درخواست محاکمه دوباره در مورد حکم ۵ سال زندان او را رد کرد. وکیل او قصد دارد یک بار دیگر درخواست تجدید محاکمه کند. وی از روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ در اعتراض به حکم‌های امنیتی فعالان سندیکایی و با درخواست خروج پرونده‌اش «از حالت امنیتی به عادی» دست به اعتصاب غذا زده است.

• مهدی فراخی شاندریز، عضو کمیته‌ی پی‌گیری ایجاد تشکل‌های کارگری و کانون صنفی معلمان ایران، سومین حکم سه سال زندان خود را می‌گذراند که در ۱۳ دی ۱۳۹۳ صادر شد. حکم نخست ۳ سال زندان او به اتهام «اهاانت به رهبری» و «اخلال در نظم عمومی» در اوایل آبان ۱۳۹۲ پایان یافت، اما مسوولان از آزادی او سر باز زدند. او در پاییز ۱۳۹۵ دوباره به همان اتهام‌ها به سه سال زندان و سپس در بهمن ۱۳۹۵ به‌خاطر تکرار «جرم» و سر دادن شعار مرگ بر [رهبر کشور] خامنه‌ای به سه سال و شش ماه زندان محکوم و سپس در اسفند ماه به زندانی دورافتاده در استان قزوین تبعید شد.

• علی اکبر باغانی، نایب رئیس پیشین کانون صنفی معلمان ایران، پس از پایان حکم یک سال زندان خود از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ حکم تبعید ۱۰ سال خود را در شهر دورافتاده‌ی زابل می‌گذراند. او پیش‌تر در پرونده‌ای مربوط به اعتراض‌های معلمان در سال ۱۳۸۵ به ۵ سال حبس تعلیقی محکوم شده بود که مسوولان ممکن است تصمیم به اجرای آن بگیرند.

•



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

علیه نظام» و «وابستگی به احزاب سیاسی» اطلاع یافت.

داود رضوی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، آزاد و در انتظار نتیجه دادگاه تجدیدنظر در باره محکومیت خود است. او روز ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ در تهران دستگیر و پس از ۲۲ روز با قرار وثیقه آزاد شد. او در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۴ محاکمه و به اتهامهای «گردهمایی و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» و «اخلال در نظم عمومی» به ۵ سال زندان محکوم شد.

ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد، آزاد و در انتظار نتیجه دادگاه تجدیدنظر در باره محکومیت خود است. او روز ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ در تهران دستگیر و پس از ۲۲ روز با قرار وثیقه آزاد شد. او در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۹۵ محاکمه و به اتهامهای «گردهمایی و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» و «اخلال در نظم عمومی» به ۵ سال و ۳ ماه زندان محکوم شد.

علی نجاتی، عضو بنیانگذار سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه، و شش فعال کارگری دیگر، یعنی خانم اشرف رحیمخانی، خانم زینب کشوری، و آقایان عزت جعفری، شاپور رشنو، علی مجد جهانگیری و عبدالرضا شاکری، به اتهام تبلیغ علیه نظام باید در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ در دادگاه انقلاب دزفول حاضر شوند. نجاتی روز ۲۴ شهریور ۱۳۹۴ دستگیر و پس از ۲۹ روز آزاد شد. او روز ۲۲ آذر ۱۳۹۴ در شهر اندیمشک در دادگاه انقلاب اسلامی به اتهامهای تبلیغ علیه نظام و ارتباط با گروههای مخالف محاکمه شد و در انتظار صدور حکم است.

در حدود یک ماه در زندان ماند و در سال ۱۳۸۶ به حکم چهار سال زندان تعلیقی محکوم شد. وی دوباره در اردیبهشت ۱۳۸۹ به مدت دو ماه بازداشت و محاکمه و در خرداد همان سال به پنج سال زندان محکوم شد. آقای بهشتی در مهر ماه ۱۳۹۲ برای اجرای حکم زندان احضار شد، اما رئیس دادگستری تهران درخواست او را برای توقف اجرای حکم و رسیدگی دوباره به پرونده پذیرفت. در دی ماه ۱۳۹۴، او برای سومین بار محاکمه و به پنج سال حبس بیشتر محکوم شد که در مرحله تجدید نظر است. در هر سه پرونده، او به اتهامهای مشابهی متهم شده است: «تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام».

محمود صالحی، عضو بنیانگذار انجمن صنفی خبازان شهر سقز، در استان کردستان، آزاد و در انتظار نتیجه دادگاه تجدیدنظر در باره محکومیت خود است. او در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ در آستانه‌ی روز کارگر دستگیر و بعداً با قرار وثیقه آزاد شد. او در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۴ اطلاع یافت که به اتهامهای «اقدام علیه امنیت ملی»، و «تشکیل سندیکای غیرقانونی کارگری»، «عضویت در گروه غیرقانونی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۹ سال زندان محکوم شده است.

عثمان اسماعیلی، سخنگوی کمیته دفاع از فعالان کارگری زندانی در مهاباد، آزاد و در انتظار نتیجه دادگاه تجدیدنظر در باره محکومیت خود است. او در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ دستگیر و بعداً با قرار وثیقه آزاد شد. او در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۴ از محکومیت به یک سال زندان به اتهامهای «تبلیغ

رضا شهابی زکریا، صندوقدار سندیکای شرکت واحد، با قرار وثیقه آزاد است. او از خرداد ۱۳۸۹ در حبس خودسرانه به سر می‌برد و در اردیبهشت ۱۳۹۱ به اتهامهای «تبانی علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» به شش سال زندان محکوم و از فعالیت‌های سندیکایی و مدنی به مدت پنج سال محروم شد. در آذر ۱۳۹۴ به‌خاطر مشارکت در اعتراض‌های زندانیان در فروردین ۱۳۹۳ یک سال زندان به محکومیت او اضافه شد. وی در مهر ۱۳۹۳ در پی دو عمل جراحی گردن و کمر به دلایل پزشکی از زندان به مرخصی رفت. با وجود این، مسوولان او را در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۹۴ احضار و گویا به علت ازسرگیری بعضی فعالیت‌های سندیکایی او، اتهامهای تازه‌ی «اخلال در نظم عمومی و تشویش در اذهان عمومی» را به او ابلاغ کردند. در این بین، حکم زندان او به پایان رسیده است، اما با وجود این‌که دولت ایران خبر بازگشت او به کار را به سازمان بین‌المللی کار اطلاع داده‌اند، مسوولان برای بازگشت به زندان او را زیر فشار گذاشته‌اند.

محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی پیشین کانون صنفی معلمان ایران، روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ پس از ۲۲ روز اعتصاب غذا با درخواست محاکمه‌ی دوباره، به‌طور موقت از زندان آزاد شد. آقای بهشتی پس از محاکمه و محکومیت در دو پرونده‌ی جداگانه، در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۹۴ برای اجرای دو حکم در مجموع ۹ سال زندان دستگیر شده بود. او در پرونده‌ی سوم به پنج سال زندان محکوم شده و علیه آن اعتراض کرده است. آقای بهشتی نخستین بار در اسفند ۱۳۸۵ دستگیر شد و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

زندان محکوم شد. نتیجه‌ی تجدید نظر هنوز اعلام نشده است.

واله زمانی، عضو بنیانگذار سندیکای نقاشان و کارگران ساختمانی استان البرز، آزاد است. او روز ۲۹ شهریور ۱۳۹۴ پس از اعتراض به مرگ به شدت مشکوک پسر عموی خود و فعال سندیکایی، شاهرخ زمانی [۹]، در زندان دستگیر و یک هفته بعد با قرار وثیقه آزاد شد. او همچنین روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ در مراسم روز کارگر دستگیر و یک روز بعد آزاد شد.

آقایان لطف الله احمدی، نادر رضاقلی و حسین حسن‌آبادی، هر سه از فعالان کارگری، آزاد هستند. ولی ممکن است محاکمه شوند. آنها در مراسم روز کارگر ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ در سنندج در جلوی خانه کارگر دستگیر و روز بعد با وثیقه آزاد شدند.

رسول بدایق، عضو هیأت مدیره‌ی کانون صنفی معلمان ایران، در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ بدون توضیح آزاد شد. او در سال ۱۳۸۸ حکم شش سال زندان خود را به اتهام‌های «گردهمایی و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» آغاز کرد. او به مدت پنج سال نیز از فعالیت‌های اجتماعی محروم شده است. قرار بود او در تیر ۱۳۹۴ آزاد شود، اما در تاریخ‌های ۵ و ۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ به دادگاه احضار شد و از اتهام‌های تازه دادستانی و وزارت اطلاعات علیه خود اطلاع یافت. در عین حال، مسوولان به او اعلام کردند که در صورتی که کناره‌گیری خود از فعالیت‌های معلمان را در مصاحبه‌ای اعلام کند، اتهام‌های او را لغو خواهند کرد. او در شهریور ۱۳۹۴ به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه و به سه سال زندان محکوم شد. پس از اعتراض، دادگاه

روز ۱۱ فروردین ۱۳۹۵ با قرار وثیقه آزاد شد. او به احتمال محاکمه خواهد شد. دلیل دستگیری و اتهام علیه او معلوم نیست.

حامد محمودنژاد، عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، روز ۲۹ فروردین ۱۳۹۴ دستگیر و پس از ۲۴ روز با وثیقه آزاد شد. او در تیر ماه ۱۳۹۴ به اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه و به ۹۱ روز زندان محکوم شد. او به این حکم اعتراض کرده ولی نتیجه‌ی تجدید نظر هنوز اعلام نشده است.

یدالله صمدی و اقبال شبانی، اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و هیات مدیره انجمن خبازان سنندج و حومه، در اوایل فروردین ۱۳۹۴ به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به ۳۰ ضربه شلاق و پنج ماه زندان محکوم شدند. دادگاه تجدیدنظر آنها را به ۵ سال حبس تعلیقی محکوم کرد [۸].

مجدرضا نیک‌نژاد و آقای مهدی بهلولی، اعضای هیأت مدیره‌ی کانون صنفی معلمان ایران، آزاد و در انتظار نتیجه‌ی دادگاه تجدیدنظر در باری محکومیت خود هستند. آنها در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۹۴ دستگیر و در حدود یک ماه بعد با قرار وثیقه آزاد شدند. آنها در اسفند ۱۳۹۴ به ۵ سال زندان محکوم شدند. اتهام‌های آن اعلام نشده است، ولی با توجه به حکم صادر شده، احتمالاً به «گردهمایی و تبانی علیه امنیت ملی» متهم شده‌اند.

طاهر قادرزاده، عضو کانون صنفی معلمان در استان کردستان، در فروردین ۱۳۹۵ به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «شرکت در گردهمایی‌های معلمان» به ۹۱ روز

پدرام نصراللهی، عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، آزاد و در انتظار محاکمه است. او روز ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ دستگیر و پس از ۲۴ روز آزاد شد [۷].

آقای مجد رضا آهنگر، عضو انجمن کارگران ساختمان کامیاران در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۹۵ به دلایل یا اتهام‌های نامعلوم دستگیر و در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۶ با قرار وثیقه آزاد شد.

شش فعال کارگری در کامیاران، استان کردستان، در دادگاه انقلاب اسلامی سنندج به اتهام «تبلیغ علیه نظام و شرکت در مراسم اول ماه مه» محاکمه و در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۹۵ محکوم شدند. خانم روزین ابراهیمی، خانم دلنیا صبوری و امید احمدی و مهرداد صبوری هر یک به ۱ سال زندان و آقایان شاهو صادقی و آرام مجدی هر یک به ۳ ماه و ۱ روز زندان محکوم شدند. چهار تن اخیر در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه دستگیر و در ۵ خرداد ۱۳۹۵ با قرار وثیقه آزاد شده بودند.

مصطفی غلامنژاد، فعال کارگری، در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۹۵ در شهر تبریز در شمال غربی ایران دستگیر و روز ۲۷ خرداد با قرار وثیقه آزاد شد. دلیل دستگیری و اتهام علیه او معلوم نیست.

جمیل مجدی، عضو هیات مدیره‌ی اتحادیه کارگران آزاد ایران، در بهمن ۱۳۹۳ به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه و به سه سال و نیم زندان و جریمه محکوم شده است. او به این حکم اعتراض کرده و در انتظار نتیجه‌ی تجدیدنظر آزاد است.

جلیل مجدی، فعال کارگری در سنندج، در روز جهانی زن، ۸ مارس ۲۰۱۶ (۱۷ اسفند ۱۳۹۴) دستگیر و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

علیه نظام» و «اهانت به رهبری» محاکمه و تبرئه شد.

• علیرضاهاشمی، دبیر کل سازمان معلمان ایران، در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۵ آزاد شد.

علاوه بر این فعالان، ده‌ها کارگر معترض دیگر که حقوق خود را پیگیری کرده‌اند، مورد آزار و تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند:

بعضی از این کارگران بازداشت و به زندان یا حبس تعلیقی یا حتا شلاق محکوم شده‌اند و بعضی دیگر احتمالاً در ماه‌های آینده محاکمه خواهند شد. موارد زیر فقط بعضی از نمونه‌هاست:

۱۷ کارگر شرکت معدن طلای آق درّه، در تکاب، استان آذربایجان غربی، در اواخر سال ۱۳۹۵ محاکمه شدند. دست‌کم ۹ تن از این عده به‌خاطر ترتیب دادن گردهمایی علیه اخراج کارگران در دی ماه ۱۳۹۳ و درخواست بازگشت به کار، از ۳۰ تا ۵۰ ضربه شلاق خوردند. اتهام آنها «اغتشاش» بود که بعداً «توهین به نگهبانان و تخریب تابلوی شرکت» نیز اضافه شد. آنها ابتدا به زندان، شلاق و جریمه نقدی محکوم شدند. رهبر جمهوری اسلامی فقط حکم زندان آنها را لغو کرد.

۹ کارگر معدن سنگ آهن بافق در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۳۹۵ به‌خاطر مشارکت در اعتراض علیه شرایط کاری به حبس‌های تعلیقی و شلاق محکوم شدند. آنها پس از تحصن ۳۹ روزه‌ی در حدود ۵۰۰۰ کارگر در اردیبهشت ۱۳۹۳ در اعتراض به خصوصی‌شدن شرکت دستگیر شده بودند. با وجود این‌که

ایجاد تشکلهای کارگری و عضو انجمن کارگران ساختمان کامیاران و آقای صالح امانی، فعال کارگری، در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۹۵ در کامیاران دستگیر و ۳۸ روز بعد با قرار وثیقه آزاد شدند. آنها در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ محاکمه و تبرئه شدند.

• محمد جراحی، عضو کمیته‌ی پی‌گیری ایجاد تشکلهای کارگری و از اعضای بنیانگذار سندیکای کارگران نقاش و تزیینات، روز ۱۹ مرداد ۱۳۹۵.

• آقای شریف ساعدپناه عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران ۳۰ تیر ۱۳۹۵ به‌توسط نیروهای امنیتی احضار و بازجویی شد. او در فعالیت‌هایی در حمایت از جعفر عظیم‌زاده، دبیر اتحادیه، شرکت کرده بود.

• مظفر صالح نیا، عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، وهاشم رستمی، فعال کارگری در شهر سنندج، که در تیر ماه ۱۳۹۵ در حدود ۲۰ روز بازداشت شده بودند، در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۹۵ محاکمه و تبرئه شدند. آنها در فعالیت‌هایی در حمایت از جعفر عظیم‌زاده، دبیر اتحادیه، شرکت کرده بودند.

• زاهد مرادی، فعال کارگری در سنندج، روز ۲۲ خرداد ۱۳۹۵ احضار و بازجویی شد.

• خانم نجیبه صالح‌زاده، فعال و همسر فعال سندیکایی آقای محمود صالحی، در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۵ در سقز به دادگاه احضار و بازجویی شد. او در تاریخ ۱۷ خرداد بازداشت و همان روز با قرار وثیقه آزاد شد. سپس در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۹۵ به اتهام‌های «تبلیغ

تجدیدنظر این محکومیت را تأیید کرد. در تاریخ ۲۰ اردیبهشت، زمانی که او به همراه برادر همسر خود از یک فعال سندیکایی همکار خود در بیمارستان دیدار می‌کرد، مأموران امنیتی این دو را مورد ضرب و جرح قرار دادند و با دستبند به زندان اوین منتقل کردند. آنها روز ۲۱ اردیبهشت با قرار وثیقه آزاد شدند. روز ۲۳ مرداد ۱۳۹۵ دادگاه رسول بداقی را به علت کافی نبودن مدارک شاکیان، بی‌گناه دانست.

به علاوه، دادگاه تجدیدنظر در اردیبهشت یا خرداد ۱۳۹۳ حکم‌های زندان دست‌کم پنج تن از اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری را تأیید کرده است و آنها در خطر دستگیری به سر می‌برند. آنها در ۲۶ خرداد ۱۳۹۱ در «مجمع عمومی» این کمیته دستگیر و سپس آزاد شدند ولی دوباره در آذر ۱۳۹۱ دستگیر و به مدت دو ماه در حبس خودسرانه به سر بردند. آنها در فروردین ۱۳۹۳ به زندان محکوم شدند:

جمال میناشیری وهادی تنومند (هر یک محکوم به سه سال و نیم).

قاسم مصطفی‌پور، ابراهیم مصطفی‌پور و مجد کریمی (هر یک محکوم به دو سال).

دست‌کم ۱۰ فعال سندیکایی پس از گذراندن حکم زندان خودسرانه یا بازجویی یا محاکمه آزاد شدند (۱۰):

• آقای بهنام (اسد) ابراهیم زاده، عضو کمیته‌ی پی‌گیری ایجاد تشکلهای کارگری، در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶.

• سعید یوزی، عضو شورای مرکزی کمیته‌ی پی‌گیری



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

منظور تأمین هزینه‌ی زندگی و
تطبیق با خط فقر؛

پرداخت فوری دستمزدهای معوق؛

پرداخت بیمه‌ی بیکاری کافی؛

خاتمه دادن به اخراج و ایجاد امنیت
شغلی؛

الغای قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان و
برقراری برابری کامل زنان و مردان؛

الغای کار کودکان؛

رفع هر گونه تبعیض و بی عدالتی
نسبت به کارگران مهاجر به ویژه
کارگران افغان؛ و

اعلام تعطیل رسمی در روز ۱۱
اردیبهشت و لغو هرگونه محدودیت
در برگزاری مراسم این روز.

بعضی از خواسته‌هایی که در یکی
از بیانیه‌ها طرح شده بودند از این
قرار بودند:

الغای مجازات اعدام؛

پایان دادن به سیاست ریاضت
اقتصادی؛

رعایت حقوق کار، به ویژه
کنوانسیون‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان
بین‌المللی کار دایر بر «آزادی ایجاد
تشکل‌های مستقل» و «عقد
قراردادهای دستجمعی».

توصیه‌ها:

با توجه به وضعیت وخیم کارگری در
ایران که در بالا شرح دادیم،
برنامه‌ی نظارت بر حمایت از
مدافعان حقوق بشر و جامعه‌ی
دفاع از حقوق بشر در ایران از شما
می‌خواهند این درخواست‌ها را نزد
دولت‌مردان ایران بازتاب دهید:

گردهمایی کارگران مجتمع
نیشکر هفت‌تپه، استان خوزستان،
۱۸ مهر ۱۳۹۵.

•گردهمایی کارگران
شرکت پتروشیمی پردیس،
عسلویه، استان بوشهر، ۲۷ مهر
۱۳۹۵.

•گردهمایی کارگران
شرکت‌های آونگان و هپکو، شهر
اراک در استان مرکزی، ۳ آبان
۱۳۹۵.

•گردهمایی کارگران
سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی
تهران و حومه، تهران، ۱۴ آذر ۱۳۹۵.

•شرکت پلی‌آکریل،
اصفهان، ۱۶ آذر ۱۳۹۵.

خواسته‌های کارگران از مسوولان:

در روز کارگر، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶،
دو گروه ائتلافی از اتحادیه‌های
مستقل کارگری قطعنامه‌های
جداگانه‌ای برای طرح خواسته‌های
خود منتشر کردند [۱۱]. موارد زیر از
جمله خواسته‌های اصلی دو
قطعنامه - که مشابه ولی با بیان
متفاوت مطرح شده بودند - بود:

آزادی بدون قید و شرط همه‌ی فعالان
کارگری از جمله معلمان؛

پایان دادن به طرح اتهام‌های
امنیتی و آزار قضایی علیه همه‌ی
فعالان؛

آزادی ایجاد تشکل‌های مستقل،
حق اعتصاب، اعتراض، راه‌پیمائی و
گردهمایی، آزادی اندیشه، بیان، و
مطبوعات و آزادی تشکیل احزاب
سیاسی؛

افزایش حداقل دستمزد
اعلام‌شده‌ی دولتی برای سال
جاری به بیش از چهار برابر به

کارفرما سرانجام شکایت خود را
پس گرفت، دولت از آنها از جمله
به‌خاطر «اخلال در نظم عمومی» و
«ایجاد خسارت و ناامنی» شکایت
کرد. دادگاه تجدیدنظر حکم‌های
زندان را لغو و به جای حکم‌های
شلاق، جریمه نقدی تعیین کرد.
فقط آقای مجد حسن تشکری به
۳۰ ضربه شلاق (تعلیقی به مدت
دو سال) و جریمه نقدی محکوم
شد.

دست‌کم ۱۰ کارگر معترض مجتمع
مس میدوک در تاریخ ۱۵ فروردین
۱۳۹۵ بازداشت و دو روز بعد با قرار
وثیقه آزاد شدند.

۲۴ تن از کارگران شهرداری اهواز،
در جنوب ایران، به‌خاطر اعتراض به
کمی دستمزد در تاریخ ۲۴ خرداد
۱۳۹۵ بازداشت و پس از چهار روز
با قرار وثیقه آزاد شدند و احتمال
دارد محاکمه شوند.

۱۷ عضو تعاونی مسکن شرکت
پارس خودرو روز ۹ آذر ۱۳۹۵ هنگام
اعتراض به تصرف غیر قانونی
زمین‌های این تعاونی بازداشت
شدند. ۱۵ تن همان روز و دو تن
دیگر یک روز بعد بدون اتهام آزاد
شدند.

نیروهای امنیتی همچنین به
گردهمایی‌های کارگران معترض در
شرکت‌های مختلف حمله کرده‌اند و
کارگران را مورد ضرب و جرح قرار
داده‌اند. موارد زیر فقط چند نمونه از
این حمله‌هاست:

•گردهمایی کارگران
شرکت پارسیلون در شهر خرم‌آباد،
۲۷ تیر ۱۳۹۵؛ شماری از کارگران
زخمی شدند.

•گردهمایی کارگران
مجتمع نیشکر هفت‌تپه، استان
خوزستان، ۳ مهر ۱۳۹۵.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

رسانه‌ای برنامه‌ی نظارت به تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۴، گزارش مشترک برنامه‌ی نظارت و «جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران» به تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۵، و گزارش مشترک «برنامه‌ی نظارت»، «جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران» و «کانون مدافعان حقوق بشر»، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵.

[7] آقایان صالحی، رضوی، مددی، نجاتی و نصراللهی در گذشته نیز دستگیر شده‌اند یا حکم زندان را گذرانده‌اند (برای نمونه نگاه کنید به فراخوان‌های فوری / IRN 003 / OBS 074.3 / 0805 در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷ و IRN 003 / 0712 / OBS و ۰۶۶ در ۶ ژوئیه ۲۰۱۲؛ پیام رسانه‌ای ۲ دسامبر ۲۰۱۱؛ و گزارش مشترک «جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران» و «برنامه‌ی نظارت» به تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۵.

[8] در صورتی که محکوم «جرم» قبلی را تکرار کند، علاوه بر حکم تازه، حکم تعلیقی نیز قابل اجراست.

[9] شاهرخ زمانی، عضو کمیته‌ی پی‌گیری ایجاد تشکلهای کارگری و عضو بنیانگذار سندیکای کارگران نقاش و تزیینات، که حکم ۱۱/۵ سال زندان را به اتهام‌های «اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل یا عضویت در گروه‌های مخالف نظام» و «تبلیغ علیه نظام» می‌گذراند، در شرایط بسیار مشکوکی در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ در زندان رجایی‌شهر درگذشت. سخنگوی قوه‌ی قضاییه در آن زمان گفت که مسوولان درباره‌ی مرگ او تحقیق خواهند کرد، اما تا به امروز هیچ اطلاعاتی در این زمینه منتشر نشده است.

[10] برای اطلاعات در مورد شماره‌های ۱ و ۸، نگاه کنید به به گزارش «برنامه‌ی نظارت بر حمایت

برای اطلاعات مشروح در باره‌ی وضعیت حقوق کارگری، اتحادیه‌های مستقل کارگری و فعالان سندیکایی نگاه کنید به گزارش مشترک «فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر» و «جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران» با عنوان: «ایران: گسترش فقر، کاهش حقوق کارگری» در <https://www.fidh.org/13400>

[2] نگاه کنید به گزارش «برنامه‌ی نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر»، «جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران» و «کانون مدافعان حقوق بشر»، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵.

[3] حداقل دستمزد تعیین شده برای سال ۱۳۹۶ در حدود یک‌سیوم تا یک‌چهارم خط فقر برآورد می‌شود.

[4] خانه‌ی کارگر به حزب اسلامی کار وابسته است که یکی از رهبران آن نماینده‌ی مجلس و یکی دیگر از رهبران وزیر کار است. حزب اسلامی کار و خانه‌ی کارگر از اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ ابزار سرکوب جنبش مستقل کارگری بوده‌اند.

[5] نگاه کنید به خبرنامه‌ی «اخبار و گزارش‌های کارگری»، در: setehadbinalmelali.com در عین حال، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور از «افزایش ۶۹ درصدی» اعتراض‌های اجتماعی، کارگری و صنفی در سه سال اخیر خبر داد؛ خبرگزاری تسنیم، ۲۱ آذر ۱۳۹۵، در <https://www.tasnimnews.com/fa/news/...>

[6] برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی موارد و فعالان سندیکایی دیگر، نگاه کنید به فراخوان فوری برنامه‌ی نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، به تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵، پیام

کلیه‌ی فعالان سندیکایی زندانی را فوری و بدون‌قیدوشرط آزاد کنند زیرا اتهام‌ها و حبس آنها خودسرانه است و به‌نظر می‌رسد فقط هدف تنبیه فعالیت‌های به‌حق حقوق بشری آنها را دنبال می‌کند؛

• در هر شرایطی سلامت جسمی و روانی کلیه‌ی فعالان سندیکایی و دیگر مدافعان حقوق بشر در ایران را تضمین کنند؛

• به هر گونه آزار - از جمله در سطح قضایی - علیه کلیه‌ی فعالان سندیکایی و دیگر مدافعان حقوق بشر در ایران پایان دهند تا آنها بتوانند بدون مانع به فعالیت خود بپردازند؛

• محدودیت‌های مانع تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری را برطرف کنند؛

• کنوانسیون‌های اساسی سازمان بین‌المللی کار و نیز کنوانسیون رفع همه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) و نیز کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها (ICRMW) را تصویب کنند و به اجرا بگذارند؛

• در هر شرایطی اعلامیه‌ی سازمان ملل در باره مدافعان حقوق بشر را رعایت کنند؛

• در هر شرایطی تضمین کنند که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مطابق با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و عهدنامه‌های بین‌المللی دیگر که ایران نیز متعهد آنهاست رعایت خواهند شد.

یادداشت

[1]



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای کارگران نقاش استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر و کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران نیز امضاکنندگان قطعنامهی دیگر بودند.

باز انتشار - اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶

[۱۱] سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه و کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری یکی از قطعنامهها را امضا کردند. اتحادیه

از مدافعان حقوق بشر» ، «جامعهی دفاع از حقوق بشر در ایران» و «کانون مدافعان حقوق بشر»، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵.

خاطرات زندان

تاوان معلمی، من فریاد سر خواهم داد

(بخش پنجم و ششم)

اشاره:

تاوان معلمی، خاطراتی است که رسول بدایی، فعال صنفی معلمان، از روزهای سپری شده در زندان به قلم آورده است. بولتن کارگری، به نقل از سایت حقوق معلم و کارگر، در شماره ۱۸۰ این نشریه بخش اول و دوم این متن را منتشر کرده بود.

بی شک دوران زندان برای هر مبارزی دارای آموزه های ارزشمندی است که تا پایان عمر از یاد نخواهد رفت، دنیایی از تجربه، آموزش و یاد گیری، کوره ای که مبارزان راه آزادی و عدالت در آن، آبدیده تر و با تجربه تر می شوند، هر چند که با شکنجه های مختلف و فشار های روحی و جسمی بسیار همراه است.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

به قول احسان طبری:
" در این میدان اگر پیروز گردی گویمت، گردی
وگر بشکستی آن جا، زودتر از مرگ خود، مُردی"

رسول بداغی، معلمی که حتی در انفرادی یک لحظه از یاد مردم و خانواده اش غافل نیست، چنان زیبا احساسات انسانی را از میان اوج شقاوت سیستم جهنمی زندان های جمهوری اسلامی ایران تصویر می کند که هر مخاطبی را تحت تاثیر قرار می دهد.
با احترام به همه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی، قسمت سوم و چهارم این خاطره به شرح زیر تقدیم شما می شود.

بخش پنجم:

قیمتی نباید، مدیریت کند، دین و اخلاق را آدمهایی مانند شما به تاراج برده اند.

او با راهنمایی همراهانش می رفت، و من در آخرین لحظات بودنش حرفم را می زدم. " اینها آدم هستند، حقوقی دارند، من از روزی می ترسم، که کسانی پیدا شوند، بیشتر از ستمی که شما کرده اید، به شما یا فرزندان ستم کنند. یک راست به راهنمایی زندانبان به سمت سلول سالار رفت، دستور داد، به سرعت او را راهی بیمارستان کنند.

باشتاب با چند زندانی دیگر گفت و گو یی کوتاه کرد و رفت، رفتن مردانی همانا و فراموش شدن سالار همان! حتی از دادن یک قرص مسکن هم دریغ کردند.

بامداد پنجمین روز اعتصاب غذا و نخستین روزی که در حال اعتصاب غذا در انفرادی به سرمی بردم آغاز شد. سردرگریان اندیشه های رنگا رنگ و اغلب ناپیدای خود داشتم، صدای سکوت سالن، نیستی را در اندیشه ی آدم زنده می کرد، به این گفته ی ژان پل سارتر بیشتر اندیشیدم که: هرچه هست، هستی است، نیستی وجود ندارد.

همه ای گنگ در سر سالن مرا کنجاو کرد، از هرچه پندار بود بریدم، همه نزدیکی و نزدیکی ترمی شد، ازجا برخاستم، از دریچه ی در، بیرون را نگاه کردم؛ چیزی پیدان بود، اما صدای آقای مردانی را شناختم، سلول های روبرو هم داشتند از دریچه، بیرون را نگاه می کردند. نخستین سلول من بودم، و سلول رو بروی من (مجدی اهل ایلام) شماره ی ۲۴ را برآستانه ی خود داشت. شیفت زندانبانها ۴۸ ساعت استراحت، ۲۴ ساعت کار بود. کولیوند رفته بود، پاسبان شیفت نامش "ازجی" بود. پیشاپیش در سلول مرا را به دستور مردانی گشود، بامردانی و فرج نژاد رئیس حفاظت اطلاعات زندان خوش و بشی کردم، مردانی دریچه ی چشمانش را تنگ کرد، و نگاهی به درون سلول من انداخت، چشمش به بطری آب، رادیو، کتاب و مقداری قند که برای شیرین کردن آب آورده بودم افتاد.

دستور داد همه ی وسایل مرا بگیرند، من اعتراض کردم و گفتم:

-من اعتصاب غذای خشک نکردم، آب باید بخورم.

-ما خشک و تر حالیمون نیست، مگر نیامده ای بمیری، پس هرچه زودتر بهتر! مثل سگ بمیر!

هیچ ناراحت نشدم، چون دور از انتظارم نبود.

-نگران مردن نیستم، در وضعیتی که امثال شما فراهم کرده اید، برای همه ی انسان های آزاده چاره ای جز این نیست.

-چه وضعیتی؟

با اشاره به سلول سالار گفتم: برو عدالت و انسانیت خودتان را در آن سلول تماشا کن، آقای مردانی این انسانیت نیست، این وجدان نیست، آدم به هر

نگران مردن

نیستم، در

وضعیتی که امثال

شما فراهم کرده

اید، برای همه ی

انسان های آزاده

چاره ای جز این

نیست



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

اعدام فرزاد کمانگر) ازبند ۳۵۰ اوین وارد رجایی شهرشدم ، در بند ۶ او را می شناختم، داستان درگیری من و شیخ و پنج تن دیگر ازهمکارانش بماند، تا روزگاری دیگر....

من آرام آرام داشتم ناتوانی را با تمام وجود حس می کردم؛ اعتصاب غذا در روزهای نخست بسیار دشوار است، تا روز سوم، چهارم معده هنوز منتظر رسیدن غذا است، ترشح مواد داخلی معده تا این روزها ادامه دارد، احساس ضعف شدیدی در بدن وجود دارد، اما از روزهای چهارم و پنجم معده دیگر چشم به راه غذا نیست، اسیدهای معده دیگر از ترشح باز می ایستد، لذا آدم دیگر از سمت معده احساس فشار نمی کند، بلکه این عضلات پا، کمر و دست ها هستند، که توان خود را از دست می دهند، نای حرف زدن از آدم گرفته می شود، اما درد معده بسیار کاهش پیدا می کند، رفته رفته چشم ها گود می افتد، رنگ پریده می شود، پوست طراوت خود را آرام آرام از دست می دهد، لب ها رو به خشکی می گذارند، چرخاندن زبان دشوار می شود، بویژه اگر آب کم به بدن برسد.

بچه های سالن انفرادی، غروب ها شروع به خواندن می کردند، نزدیک به دو ساعت می خواندند، این خواندن آن ها اوایل برای من بسیار جذاب بود، چندتایی از آنها صدای قشنگی داشتند، خودم هم می خواندم، یکی از آن ها که قد بسیار بلندی داشت چشم هایش چپکی(تا به تا) بود، هنگام رفتن به دستشویی او را دیده بودم، از جلوی سلول ما می گذشت، اما صدای شگفت انگیزی داشت، اغلب اشعار کوچه بازاری و در

همه ی وسایل من جمع آوری شد، اما دفتر و خودکارم را قبلا زیرلباسهای تنم پنهان کرده بودم، این روز را پیش بینی کرده بودم، درگرماي خرداد ماه گرمکن ورزشی آبی رنگم را پوشیده بودم، دیگر از رادیوی یک موج من خبری نبود، آب هم نداشتم، اما در روز چهار بار باید دستشویی می رفتیم، آنجا می توانستم آب بخورم، روزانه دوبار هم چای می دادند، بچه های سینه کش(غذاپخش کن) که خودشان زندانی بودند، هیچ کوتاهی نمی کردند، اما برای بچه های سینه کش یک مشکل بود، و آن دوربین هایی بود، که بالای سر در هر سلول کاشته شده بود، صداهم می گرفتند، صدا پخش کن هم داشتند، از زیر هشت (افسرنگهبانی) کاملاً کنترل می شدند، از بلندگو صدا هم می آمد، صدای ما هم به گوش آنان می رسید، تصویر لحظه لحظه ی ما هم ضبط می شد، این سیستم صدا و سیما، فقط در این سالن بود، دیگرسالن ها این شرایط را نداشتند.

آخرهای روز بود، به شدت تشنه بودم، می بایست، هر روز یک و نیم لیتر آب بخورم تا دیرتر از پا دربیایم، حسین قاتل فکری به ذهنش رسید، ما ازدرون سلول ها سرپا پشت دریچه می ایستادیم و باهم گفت وگو می کردیم، سلول حسین کنار سلول من بود، دستانم به همدیگر نمی رسید، اما بطری یک و نیم لیتری را که به سمت من دراز می کرد، می رسید.

هنگام پخش ناهار رسیده بود، حسین قاتل از سینه کش خواست، یک بطری نوشابه را از آب پرکند، و به او بدهد، سینه کش که او را اصغر می نامیدند، جوان مهربانی بود، که به جرم آدم کشی یازده سال بود، زندان می کشید. سینه کش یک بطری از آب پرکرد، و به حسین داد، هر وقت من تشنه می شدم، حسین قاتل بطری را از دریچه به من می داد، آب می خوردم و بطری را به او بازمی گرداندم.

در بامداد ششمین روز اعتصاب غذا، گرامی رئیس بند متوجه این کارما شد، با شتاب به سالن آمد، حسین قاتل را تهدید کرد، و رفت؛ اما حسین هم چنان به من آب می رساند، غروب ششمین روز من جابجا شدم، به سلولی برده شدم، که کنارم یک سلول خالی بود، دیگر دستم به هیچ جا نمی رسید، تشنگی آزارم می داد، در نبود آب می فهمیدم که آب تا چه اندازه می تواند، به انسان نیرو بدهد.

همه ی امید من در آن ساعات و روزها سینه کش بود! همراه غذا یکی دو لیوان به من آب می رساند، بچه های سالن همه برای من ناراحت بودند، از من خواهش می کردند، دست از اعتصاب غذا بکشم، آن ها از کار و بار ما زندانیان به اصطلاح سیاسی در شگفت بودند، می گفتند، ما برای پول یا خواسته ای دیگر خودمان را گرفتار کرده ایم ، شما چرا ؟!

زندان بان ها می بایست هر روز پس از آمار بیایند، و از من امضا و اثر انگشت بگیرند، که هنوز در اعتصاب غذا هستم، تنها زندانبانی که تشنه ی آزار دادن من بود، کسی بود به نام (شیخ) این نام مستعارش بود، نام اصلی او اکبری سلیم ساکن مجد شهر کرج بود، قد کوتاهی داشت، او را کاملاً می شناختم، یک مذهبی بیسارتنند و متعصب، که برای زندانیان عادی از هرخشونتیی که در توانش بود، دریغ نمی کرد. تشنه ی فرمانبرداری بود، از فرمانبری هم کوتاهی نمی کرد. سنگ تمام می گذاشت. هنگامی که در ۱۹ اردیبهشت ۸۹ (روز



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

تو در اعتصاب غذا هستی، پس نباید آب بخوری!

*من در اعتصاب غذای تر هستم، نه اعتصاب غذای خشک

-خشک و تر ندارد، یا باید غذا بخوری یا باید بمیری!

به آخرین موی رگهای انتهای چشمانش خیره شدم، شاید از این راه به عمق اندیشه، باورها، اخلاق و تربیت خانوادگی این آدم راهی پیداکنم.

نهمین روز اعتصاب غذا
و چهارمین روز انفرادی
من بود، ارتباط روحی
خود را با زندگان بریده
بودم و به مردگان
پیوسته بودم، وصیت
نامه ام را هم نوشته
بودم

به جبهه های جنگ بین حاکمان ایران و عراق اندیشیدم، که یک رزمنده برای نجات جان یک انسان یا آزاد کردن اندکی از خاک سرزمینش و آرامش هموطنانش جان خود را به خطر می انداخت، به پلیس های توی فیلم ها می اندیشیدم که برای نجات جان یک کودک از هستی خود می گذشتند. به آتش نشان ها، به خلبان هایی که قربانی مسافران می شوند، درحالی که می توانند، با چتر به بیرون بپرند، اما ترجیح می دهند، همراه مسافران تکه پاره شدن خود را تماشا کنند، و فرزندانشان یتیم بمانند، وووو.

توهین به مقامات سیاسی می خواند.

رفته رفته کمترتوان ایستادن پشت دریچه و نگاه کردن به بیرون را داشتم، کسی که چای می آورد، با شتاب دو سه تا لیوان چای و مشتی قند برای من توی سلول می انداخت و به سرعت دور می شد، بچه ها گاهی سهم قند و چای خود را به من می دادند، من لیوان یک بار مصرف را نگه می داشتم، تا احیانا مسئول نظافت که وارد سالن می شد، لیوان ها را از آب پر کند، و به من بدهد، چند باری این کار را کرده بود، اما همیشه باترس و لرز!

خونم داشت غلیظ می شد، هر روز سر ساعت ۵ عصر به مدت ۵ دقیقه قلب من مانند یک مشت گره کرده از درون به سینه ی من می کوبید، به اندازه ای که از بیرون که نگاه می کردم، پوست سمت چپ سینه ام قرمز قرمز می شد. هرروز زمان این تپش بیشتر و محکم تر می شد، باورم نمی شد که قلب تا این اندازه قدرت کوبش داشته باشد. روزهای آخر این تپش به ده دقیقه رسیده بود.

اما فردای روز هشتم اعتصاب غذا، آقای گرامی رئیس بند یک، وارد سالن انفرادی شد، ما دو تن به نام گرامی داشتیم، که یکی عمو بود و دیگری برادر زاده، گرامی برادرزاده قبلا رئیس بند ۳ (سالن های ۷، ۸، ۹) بود، برادر زاده را کاملا می شناختم، انسان شریفی بود. ۶ ماه رئیس بند ۳ بود، هیچ بدی از او ندیده
اما گرامی عمو...

بخش ششم:

"گرامی عمو" وارد سالن شد، مستقیم به سمت سلول من آمد، از دریچه درون سلول را برانداز کرد، هشتمین روز اعتصاب غذای من بود، به سختی می توانستم روی پاهایم بایستم، اما ازجا برخاستم، نگاهی به درون سلول انداخت، دو تا لیوان پلاستیکی یک بار مصرف را کنار پتویی که من روی آن افتاده بودم، دید، از من خواست لیوان ها را برایش بیاورم، نمی دانستم می خواهد چه کند، تصورکردم می رود برایم آب بیاورد، چون از برادر زاده اش خوبی هایی دیده بودم، لیوان ها را به او دادم، آن ها را در کف دستش گذاشت، جلوی چشم من لیوان ها را له کرد، پس از آنکه مطمئن شد، دیگر نمی شود از آن ها استفاده کرد با خون سردی آن ها را گوشه ای از راهرو پرت کرد.

من ماتم برده بود.

*چرا این کار را کردی؟

-چون تو از آنها برای گرفتن آب استفاده می کنی.

به چشم هایش زل زدم، از این همه بی رحمی در اندام یک انسان نماز خوان، مسلمان، شیعه ای که می گوید حسین (ع) سرمشق زندگی او است، شگفت زده شدم.

*مگر من نباید آب بخورم؟



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

به راستی من از زندگی دل کنده بودم. اما رمق های پایانی رهایم نمی کرد. داشتم آخرین وصیت هایم را روی کاغذ می آوردم، در میان این همه نامهربانی، مهربانانی هم بودند، اما دست شان کوتاه! در این میان آدینه وندی، که رابط بهداری بند یک (سالنهای یک، دو، سه) بود، هر سه سالن در رجایی شهر یک بند است و یک رابط بهداری هم دارد، که افرادی را که شب برای رفتن به بهداری نام نویسی کرده اند؟ هرروز صبح تابهداری همراهی می کند، و قرص و داروها را به بیماران تحت نظری می رساند.

آدینه وند از طرف زندان به عنوان رابط بهداری بند یک برگزیده شده بود، گرچه لر بود، اما با بچه های تهران و کرج (سالن ۲) هیچ درگیری یا درگیری نداشت، بچه های تهران و کرج او را دوست داشتند، حرفش را هم قبول داشتند، او تنها کسی بود، که می توانست صدای مرا به بیرون زندان ببرد، نامه ها و خبرهای مرا برای بچه های سالن ۱۲ می برد، و خبرها را نیز برای من می آورد. من اعتصاب غذای خشک نکرده بودم، اما زندان بان ها کاری کرده بودند که من عملاً در اعتصاب غذای خشک به سر می بردم.

آدینه وند تلاش می کرد که به هر بهانه ای به سالن ما بیاید و از من خبرگیری، هرگاه وارد سالن می شد، بدون توجه به دیگران یک راست به سراغ من می آمد، آخرین سلول در انتهای سالن یک.

صدای آدینه وند را که می شنیدم، روحیه می گرفتم، ناخودآگاه از جایم بر می خواستم، اما نمی توانستم چندان سر پا بایستم، آدینه وند بیشتر از دو تا سه دقیقه نمی توانست با من حرف بزند، از بلندگو

پس از اندیشه ی بسیار در شخصیت این انسان، در عمق باورش چیز مقدسی نیافتم، آنچه دیدم، کوتاه نظری، عقده ی بیخودی، لقمه نانی بیشتر، مدیریتی که به پرکاهی نمی ارزید.

باز باخود اندیشیدم که چه سخت است، وظیفه ی مادری و معلمی!...

*آقای گرامی من برادرزاده ی شما را می شناسم، به نظرم خانواده ی محترمی دارید، چرا تو اینطور هستی؟

مگر تو دم از مسلمانی و شیعه گری نمی زنی؟ وقتی لبهای خشک مرا می بینی، به یاد لب تشنه ی حسین نمی افتی؟ بی رحمی تا چه اندازه؟!

صدای ما را همه ی زندانیان می شنیدند، به چشم های هم زده بودیم، موج روحی من چشم هایش را گروگان گرفته بود، چشما او زل زدن درچشمان مرا تاب نیاورد، گویا ندایی از درون تنش را لرزاند، پلک هایش سنگین شد، سرش را به زیر انداخت و گریخت، قاب آهنی در به چشمان ناتوان و تشنه ی من اجازه ی دنبال کردن پیکر بی احساس او را نداد.

در آن لحظات بی تابی، غم سنگین دیگری بر دوش دل من غلتید، چهارستون پیکرم، تاب ایستادن نداشت، خود را روی پتو انداختم، چرخاندن سر به چپ یا راست هم برایم دشوار بود، فقط توان چرخاندن چشم در کاسه ی سرم را داشتم. دلم شکسته بود و تنم رنجور!

گاهی، خوابی اگر به سراغم می آمد، کابوس وحشتی بود ازمرگ. من بودم و دیوار و عطش، هرشب درجشن مردگان خانواده ام مهمان نورسیده ای بودم، بسیارگرامی! خواب نبود! آرامش نبود! قلمی بود که بر سرنوشت من رقم می خورد!





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

مشکل زن و فرزندان برایم حل شده بود، با این پیش زمینه که بسیاری از انسانها بدون آنکه پدر بالای سرشان بوده باشد، توانسته اند، زندگی خوبی داشته باشند، مدارج بالای ترقی را هم طی کرده اند. چه بسا که بدون پدر انسان های شایسته تری شده اند. به همسر می اندیشیدم، گمان نمی کردم، بچه ها را رها کند، باخود می گفتم، اگر هم خواست برود، حق زندگی و حق انتخاب دارد، یا بالای سر بچه می ماند، یا آن ها را رها می کند، راستی اگر همسر برود، مادرم هست، ازبچه ها نگهداری می کند، همسر هم می رود زندگی دیگری را آغاز می کند. به من چه مربوط، من که دیگر مرده ام.

او را صدا می زدند، به خوش و بشی که به زبان محلی با آدینه وند داشتم دلبسته بودم. او بعدها یکی از بهترین دوستان من شد، سعید غیر عمد جوانی را کشته بود، دویست میلیون تومان باید دیه پرداخت می کرد، در ورامین باشگاه ورزشی داشت. البته چند سال بعد، با پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان آزاد شد.

نهمین روز اعتصاب غذا و چهارمین روز انفرادی من بود، ارتباط روحی خود را با زندگان بریده بودم و به مردگان پیوسته بودم، وصیت نامه ام را هم نوشته بودم و بوسیله ی آدینه وند به دست بچه های سالن ۱۲ رسانده بودم، تنها چیزی که برایم جالب می نمود، تجربه ی دنیای مردگان بود. به این دل بسته بودم، که دنیای دیگر را خواهم دید، شاید آنجا از اخلاق ناشایست برخی انسان ها دیگر خبری نباشد! راستی مرگ چگونه است؟ مرگ آن قدرها هم که می گویند بد نیست، راستی دنیای دیگری که این همه در باره ی آن می گویند چگونه است؟ داشتن روح بدون پیکر چه حسی دارد؟ شاید چون پیکر نداریم، هر جا خواستیم می رویم! با سرعت باد سفرهایی را که در دنیا به خاطری پولی نتوانستیم، انجام دهیم، در دنیای دیگر به راحتی انجام خواهیم داد. نه؟! داد.

تیتراخبار



این صفحه، اختصاص دارد به تیترا خبر های کارگری در هفته ای که گذشت، سرفصل جدیدی از بولتن کارگری است، که سعی دارد، در گسترش اطلاع رسانی اخبار و حمایت از جنبش کارگری اقدام کند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

برای یافتن شغل صورت گرفته است؛

/ تجمع کارگران فصلی معدن آق‌دره سه روزه شد

/ انتظار کارگران اخراجی «شهرداری تاکستان» برای بازگشت به کار

جمعی از کارکنان شرکتی مخابرات:

/ مهلتی که مجلس به مخابرات داد؛ تمام شد / مخابرات با وزارت کار همکاری نمی‌کند

معاون مدیر کل بحران استانداری گلستان:

/ خروج پیکر آخرین معدنچی از آوار زمستان یورت / عملیات آواربرداری ادامه دارد

کارخانه ۳۵ ساله تجهیزات نفتی ورشکست شد

/ ۴۵۰ کارگر بیکار شدند

بر اثر یک حادثه شغلی رخ داد؛

/ مرگ یک کارگر حفاری شمال روی سکوی نفتی

/ معوقات مزدی کارکنان علوم پزشکی گیلان هنوز پرداخت نشده است

مدیرکل پزشکی قانونی استان گلستان خبر داد:

/ پیکر پنج جان باخته دیگر معدن آزادشهر احراز هویت شدند

معاون مدیریت بحران استانداری گلستان مطرح کرد؛

/ شهرداری تهران مسئول تامین اشتغال ما بود

تکلیف ۳ ماه مزد معوقه ما را مشخص کنند

حسین تاج مطرح کرد؛

/ مشخص شدن دادگاه اعاده دادرسی اسماعیل عبدی

/ فوت کارگر ساختمانی در شهرک اندیشه تبریز

/ شمار کارگران جان باخته حادثه معدن یورت زمستان آزادشهر به ۴۳ نفر رسید!

/ ازسرگیری تجمع آموزشیاران نهضت سواد آموزی دراعتراض به بلاتکلیفی استخدامی دوباره مقابل وزارت آموزش و پرورش

/ ۳۰ کارگر کارخانه ریز موج اخراج شدند



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

/ عدم پرداخت ماه حقوق، حق بیمه وعیدی کارگران اخراجی وشاغل این واحد تولیدی!

/ عدم پرداخت ۶ ماه حقوق وحق بیمه کارگران شهرداری چرام!

/ عدم پرداخت ۵ ماه حقوق وحق بیمه کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۲ بندرعباس!

/ دبیر کل اتحادیه بین الملل کارگران صنعتی خواستار بهبود وضعیت ایمنی محیط های کار در معادن ایران شد

برای دومین روز متوالی اتفاق افتاد:

/ تجمع کارگران سهامدار معدن اسفندقه در مقابل فرمانداری ارزوئیه

روز گذشته رخ داد؛

/ تجمع کارگران قرارداد موقت جایگاه های سوخت

/ اعتراض گروهی از کارگران فاز ۱۲ کنگان به شرایط نامناسب شغلی

در اعتراض به تصمیم مدیران برای اخراج احتمالی؛

/ صدها نفر از کارکنان شرکت هواپیمایی آلیتالیا بر سر کار خود حاضر نشدند

پس از برگزاری تجمع روز گذشته اتفاق افتاد؛

/ وعده وزارت کار برای حل مشکلات بازنشستگی کارگران روغن قو

در شهرستان تاکستان اتفاق افتاد؛

۳۰ کارگر «ریز موج» با اتمام قرار داد کار اخراج شدند

جداری فروغی مطرح کرد؛

/ برگزاری دادگاه دو فعال کارگری در جوی مناسب

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در تماس با ایلنا؛

/ طعم تلخ محرومیت و تبعیض را در شهرداری تهران چشیده ایم/ ادعای قالیباف داغ ما را تازه می کند

با آغاز فصل کار؛

/ بیشتر کارگران فصلی معدن طلای آق دره هنوز بیکارند

/ یک کارگر معدن زمستان یورت کماکان در بخش مراقبت های ویژه بستری است

/ کشف پیکری دیگر از معدن زمستان یورت/ تا یک ساعت دیگر جسد خارج می شود

/ اسامی ۱۰ نفر دیگر از جانباختگان حادثه معدن آزادشهر اعلام شد

/ ششمین روزتجمع کارگران معادن البرز شرقی دراعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق و برای ایمنی کار!



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۵ اردی بهشت ۱۳۹۶ / ۱۵ مه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۸۵

- / پیکرهای ۱۳ کارگر جانباخته دیگر از تونل معدن یورت زمستان خارج شد!
- / احتمال زیرآوار بودن تعدادی دیگر از کارگران این معدن!
- / یک کارگر معدن زمستان یورت کماکان در بخش آی سی یو بستری است
- / تجمع اعتراضی کارگران شناورهای لایه روبی بندر امام نسبت به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه و بلاتکلیفی قراردادی مقابل استانداری خوزستان!
- / اخراج از کار نماینده کارگران بدلیل پیگیری حق و حقوق کارگران!
- / انتظار ۸ ماهه ۳۳ کارگر اخراجی کارخانه آریا فولاد برای دریافت مطالباتشان!
- / عدم پرداخت ۴ ماه حقوق، ۱۰ ماه حق بیمه، ۲ سال حق سنوات و عیدی کارگران کارخانه فولاد الماس!
- / جان باختن ۳ کارگر در ایلام بر اثر حوادث کاری در نیمه اول اردی بهشت ماه!
- / ۲۱۰ مورد مرگ ناشی از گاز گرفتگی سال گذشته در تهران
- / بدهی ۶۰ میلیارد تومانی ۵ نفر به صندوق ذخیره فرهنگیان

